



Res. article

A Cognitive Analysis of Conceptual Metaphors and Image Schemas in Azeri Turkish Proverbs

Ramin Golshaie^{1✉}, Farzaneh Mousavi², Farideh Haghbin³

1- Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. 2- M.A. Student of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. 3- Associate Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran

Received: 2019/17/09

Accepted: 2020/07/01

Abstract

Proverbs represent the beliefs and values of human cultures, the study of which can provide profound insights into concepts and daily experiences of language users. In this regard, cognitive semantics constitutes an effective framework to study linguistic meaning and uncover speakers' conceptualization of the world. In this study, we analyzed Azeri Turkish proverbs based on conceptual metaphor and image schemas theories. First, 470 Azeri proverbs were collected from the Turkish Azeri Proverbs book, and then they were checked by interviewing senior Azeri speakers. The proverbs were initially analyzed by looking for conceptual metaphors and source domain concepts and then the second time they were searched for image schemas. The findings showed that the source domain ANIMAL is the most frequent conceptual domain and the least frequent domain is related to the PATH and HEAT-COLD source domains. Also, the most frequent domain in image schemas was CONTAINMENT image schema and the least frequent one was the BALANCE image schema. In conclusion, findings suggest that the ANIMAL source domain as well as the CONTAINMENT image schema are the most prominent conceptual domains that have been frequently used in Azeri proverbs and have shaped the daily experience of Azeri speakers.

Keywords: cognitive semantics, conceptual metaphor, image schema, Azeri Turkish, proverb.

Citation: Golshaie¹, R., Mousavi, F., Haghbin, F. (2020). A Cognitive Analysis of Conceptual Metaphors and Image Schemas in Azeri Turkish Proverbs. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8 (28), 81-101. (In Persian)





تحلیلی شناختی از استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری

رامین گلشائی[✉]، فرزانه موسوی^۲، فریده حقی‌بین^۳

۱- استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. ۳- دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷

دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۶

چکیده

ضرب‌المثل‌ها بازتاب‌دهنده فرهنگ، ارزش‌ها و باورهای ملت‌ها هستند و مطالعه آن‌ها می‌تواند درک روشنی از مفاهیم و تجربه‌های روزمره گویشوران به دست دهد؛ ازسوی دیگر، معنی‌شناسی شناختی می‌تواند چارچوب دقیقی برای مطالعه معنای زبانی براساس تجربیات ما از جهان، چگونگی درک و شیوه مفهوم‌سازی آن در اختیار ما قرار دهد. در پژوهش حاضر ضرب‌المثل‌های ترکی آذری در چارچوب معنی‌شناسی شناختی تحلیل شده‌اند تا شیوه مفهوم‌سازی تجارب روزمره گویشوران آن به دست داده شود. برای این منظور، ۴۷۰ ضرب‌المثل ترکی آذری به‌روش کتابخانه‌ای و مصاحبه گردآوری و براساس نظریه استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری بررسی و تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان دادند که حوزه مبدأ حیوان و طرح‌واره حجمی، بیشترین بسامد و حوزه‌های مبدأ گرما - سرما و مسیر و طرح‌واره تعادلی کم‌ترین بسامد را داشته‌اند. نتایج پژوهش بیان‌گر نقش پررنگ استعاره‌های مربوط به حیوانات و نیز طرح‌واره‌های حجمی در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری و در مفهوم‌سازی تجارب روزمره گویشوران ترکی زبان است.

کلیدواژه‌ها: معنی‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، طرح‌واره تصویری، ترکی آذری، ضرب‌المثل.

استناد: گلشائی، رامین؛ موسوی، فرزانه؛ حقی‌بین، فریده (۱۳۹۹). تحلیلی شناختی از استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۸ (۲۹)، ۸۱-۱۰۱.



۱- مقدمه

مثل که در میان فارسی‌زبانان، داستان یا به‌تخفیف داستان گفته می‌شود، در لغت به معنی برهان، حدیث، آیه و عبرت است و در اصطلاح جمله‌ای مختصر، مشتمل بر تشبیه با مضمونی حکیمانه است که به دلیل روانی الفاظ، معنای روشن و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور شده است و آن را بدون تغییر یا با تغییری جزئی در گفت‌وگوهای خود به کار می‌برند (بهمنیار، ۱۳۶۹). برخی نیز مثل را سخن نغز و موجزی تعریف کرده‌اند که حقیقتی کلی را می‌رساند. این نوع ادبی که در شکل و محتوا با پند و سخن قصار مربوط است، سابقه بسیار کهنی در بین اقوام و ملل دارد و شکل بیانی بسیار دیرینی است (رضایی و مقیمی، ۱۳۹۲؛ کادن، ۱۳۸۰).

شاید بتوان گفت که ضرب‌المثل‌ها کهن‌ترین نوع ادبیات شفاهی هستند که همواره بشر را در روشن‌تر کردن مفاهیم و ادراکاتش یاری داده‌اند (بهمنیار، ۱۳۶۹)، از این رو می‌توان گفت ضرب‌المثل زبان ساده و بی‌پیرایه هر قومیتی است که فرهنگ و اندیشه موجود در جامعه، آن را می‌سازد و پرورش می‌دهد. محور اصلی ضرب‌المثل‌ها طبیعت و جریان زندگی است که می‌تواند بازتابی از اخلاق، آداب و رسوم و اعتقادات یک محدوده فرهنگی باشند (رضایی و مقیمی، ۱۳۹۲).

ضرب‌المثل‌ها در بیشتر زبان‌ها موضوع مطالعات زبان‌شناختی بوده‌اند. در زبان فارسی نیز پژوهش‌هایی در زمینه تحلیل معنی‌شناختی ضرب‌المثل‌ها انجام گرفته است (فضایلی و شریفی، ۱۳۹۲؛ امین‌الرعا و دیگران، ۱۳۹۳؛ رضایی و مقیمی، ۱۳۹۲؛ پاک‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۶؛ روشن و دیگران، ۱۳۹۲). در زبان ترکی و در حوزه معنی‌شناسی شناختی می‌توان به پژوهش ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۷) و مهدی‌زاده (۱۳۹۶) اشاره کرد که به ترتیب ضرب‌المثل‌های ترکی با حوزه مقصد عشق و تحلیل طرح‌واره‌ای ضرب‌المثل‌های ترکی در گویش اردبیلی را بررسی کرده‌اند.

با توجه به کاربرد ضرب‌المثل‌ها در ادبیات عامه و با توجه به اینکه تاکنون پژوهش معنی‌شناختی جامعی در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری به‌ویژه از لحاظ بررسی استعاره‌های مفهومی انجام نشده است، در نوشتار پیش رو ضرب‌المثل‌های ترکی آذری در چارچوب دو نظریه استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری بررسی شده‌اند. پرسش‌هایی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به آن‌ها است، عبارت‌اند از:

۱- پرسامدترین مبدأ استعاره مفهومی در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری چیست؟

۲- پرسامدترین طرح‌واره تصویری در برخی از ضرب‌المثل‌های زبان ترکی آذری کدام است؟

پژوهش‌های بسیاری استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در زبان‌های مختلف پرداخته‌اند. در میان پژوهش‌های پژوهش‌گران غیر ایرانی می‌توان به موضوعاتی همچون تحلیل گفتمان سیاسی (سینکی^۱، ۲۰۰۵)، متون شغلی (اسمیت^۲، ۲۰۱۰)، سیستم آموزشی (سیکپیسکوزوب و استراگیلسکا^۳، ۲۰۱۰)، مقاله‌های خبری (اساگر^۴، ۲۰۱۱)، و فیلم و هنر (کگنارتس و کراوانجا^۵، ۲۰۱۲) اشاره کرد. در بین پژوهش‌گران داخلی می‌توان به پژوهش‌های ادبی در تحلیل اشعار حافظ و سعدی (گلفام و اعلایی، ۱۳۸۷)، خیام (نظامی، ۱۳۹۱)، وحشی بافقی (ویسی و دریس، ۱۳۹۴)، فریدون مشیری (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۴)، مصطفی رحماندوست (طرهانی، ۱۳۹۵)، بررسی‌های پیکره‌ای و روان‌شناختی (افراشی و دیگران، ۱۳۹۴؛ گلشائی و دیگران، ۱۳۹۳؛ گلشائی و گلفام، ۲۰۱۵؛ گلشائی، ۲۰۱۹)، تحلیل متون نوشتاری همچون وصیت‌نامه شهیدان (خیرخواهان، ۱۳۹۵) و کتاب‌های درسی فارسی (باباسالاری و دیگران، ۱۳۹۴) اشاره کرد.

در پژوهش‌های مرتبط با ضرب‌المثل و در حیطه معنی‌شناسی شناختی زبان فارسی و گویش‌های آن می‌توان به آثار پژوهش‌گرانی همچون فضایی و شریفی (۱۳۹۲) در زمینه بررسی طرح‌واره‌های قدرتی، امین‌الرعا و دیگران (۱۳۹۳) پیرامون ویژگی‌های منتسب به زنان در ضرب‌المثل‌های فارسی، رضایی و مقیمی (۱۳۹۲) با موضوع بررسی استعاره‌های مفهومی در ضرب‌المثل‌های فارسی و همچنین پژوهش‌های پاک‌نژاد و دیگران (۱۳۹۶) بامحوریت بررسی طرح‌واره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شمال خوزستان در گویش دزفولی و روشن و دیگران (۱۳۹۲)، باموضوع مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان اشاره کرد؛ همچنین در مورد زبان‌های ترکی - انگلیسی - فارسی، ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۷) پژوهشی با موضوع بررسی استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی انجام داده‌اند. ایشان با استخراج از (۱۵) منبع برای سه زبان پیش‌گفته، داده‌های مورد نیاز را استخراج و با جستجو در بیش از ده‌هزار ضرب‌المثل مورد مطالعه، به (۲۰۱) ضرب‌المثل در حوزه عشق و (۹۶) نگاشت‌نام رسیدند که در این حیطه نیز بیشترین بسامد در زبان فارسی، نگاشت‌نام عشق، بلا، درد، رنج و بیماری است و در زبان انگلیسی و ترکی عشق روشنائی است، پربسامدترین نگاشت‌نام‌ها هستند؛ همچنین پربسامدترین حوزه‌های مبدأ به‌ترتیب حوزه‌های

1. A. Cienki
2. T. Smit
3. T. Siek-Piskozub & A. Strugielska
4. M. Esager
5. M. Coegnarts & P. Kravanja

انسان/ بدن انسان در زبان فارسی و ترکی و روشنایی و تاریکی در زبان انگلیسی هستند.

در زمینه بررسی طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های فارسی نیز می‌توان به پژوهش آریان‌فر (۱۳۸۵) اشاره کرد. ایشان شماری از ضرب‌المثل‌های فارسی را براساس طرح‌واره‌های تصویری در چارچوب نظریه معنی‌شناسی شناختی، براساس الگوی طرح‌واره‌های تصویری ایوانز و گرین^۱ (۲۰۰۶) و براساس آرای معنی‌شناسی شناختی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که طرح‌واره‌های تصویری از تجارب حسی و ادراکی ما در تعامل با دنیای اطراف‌مان شکل می‌گیرند؛ همچنین نتایج ایشان نشان می‌دهد که بیشترین بسامد تکرار در طرح‌واره‌های تصویری بنیادین، متعلق به طرح‌واره‌های فضایی و وجودی و کمترین آن مربوط به طرح‌واره حرکتی است.

در پژوهشی دیگر، مهدی‌زاده (۱۳۹۶) با تجزیه و تحلیل ضرب‌المثل‌های ترکی گویش اردبیلی برمبنای مدل طرح‌واره‌ای ایوانز و گرین (۲۰۰۶) چگونگی عملکرد طرح‌واره‌ها و مفاهیم و مضامین آن‌ها را بررسی کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که انواع کلی طرح‌واره‌های ارائه‌شده از سوی ایوانز و گرین و نیز عمده‌زیرمجموعه‌های آن‌ها در ضرب‌المثل‌های پیش‌گفته یافت می‌شود؛ همچنین یافته‌های وی نشان می‌دهد که طرح‌واره مهارشدگی و نیرو به ترتیب بیشترین بسامد تکرار در بین طرح‌واره‌های مورد بررسی را دارند.

۲- معنی‌شناسی شناختی

زبان‌شناسی شناختی زبان را براساس تجربیات ما از جهان، چگونگی درک و شیوه مفهوم‌سازی آن‌ها مطالعه می‌کند؛ بنابراین مطالعه زبان از این دیدگاه، مطالعه الگوهای مفهوم‌سازی است (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۶). در این رویکرد، به زبان به مثابه وسیله‌ای برای کشف ساختار نظام شناختی انسان نگریسته می‌شود. معنی‌شناسی شناختی شاخه‌ای از زبان‌شناسی شناختی است که رابطه بین تجربه، سیستم مفهومی و ساختار معنایی زبان را بررسی می‌کند. در واقع، پژوهش‌گرانی که در حوزه معنی‌شناسی شناختی کار می‌کنند، پیرامون بازنمایی دانش (ساختار مفهومی) و ساخت معنا (مفهوم‌سازی) به پژوهش می‌پردازند (ایوانز و گرین ۲۰۰۶: ۵۰-۶۸). دو شاخه از مهم‌ترین حوزه‌های معنی‌شناسی شناختی، به نظریه استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری اختصاص دارد. در ادامه به اصول حاکم بر این دو حوزه پرداخته می‌شود.

۲-۱- استعاره‌های مفهومی

جورج لیکاف و مارک جانسون^۱ (۱۹۸۰) کتابی به نام *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*^۲ منتشر کردند و در آن ادعا کردند که استعاره نه تنها در زبان، بلکه در اندیشه و عمل هر روز همه ما وجود دارد. آن‌ها همچنین ادعا کردند که نظام تصویری ذهن بشر که اندیشه و عمل ما بر مبنای آن قرار دارد، در ذات خود استعاری است؛ بنابراین، به منظور دسترسی به نظام تصویری ذهن و کشف ساختار این نظام، تأمل در زبان که از تجلیات ساختار تصویری ما به شمار می‌آید، راه‌حل مناسبی برای کشف این نظام است. نظریه استعاره مفهومی برای اولین بار در این کتاب مطرح شد و بارزترین نکته این نظریه آن بود که استعاره برخلاف دیدگاه سنتی، فقط ویژگی سبکی زبان ادبی نیست؛ بلکه خود تفکر و ذهن، ماهیتی استعاری دارند.

در این راستا می‌توان گفت که تمامی استعاره‌های مفهومی بیان‌کننده مقصودی ذهنی هستند که از آن به مثابه *حوزه مقصد* یاد می‌شود و گوینده به جای بیان صریح مقصود خود، با بخشیدن شکلی استعاری به بیان خود، آن را در قالب مفاهیم حوزه‌ای ملموس‌تر و مانوس‌تر بیان می‌کند. این حوزه، *حوزه مبدأ* نامیده می‌شود. به این ترتیب در مجموع می‌توان گفت که گوینده از مفهوم ملموس‌تر حوزه مبدأ استفاده می‌کند تا به شکلی استعاری و غیر مستقیم، منظور خود را که در حوزه مقصد قرار دارد، بیان کند. در مثال‌های زیر مفاهیمی همچون گروه، نگاه، کار و دموکراسی را به مثابه مفاهیم متعلق به حوزه مقصد می‌توان در نظر گرفت.

- (1) The head of the department -- سرگروه (به معنی مدیر گروه)
- (2) An icy stare -- یک نگاه یخی (به معنی نگاه فاقد احساس)
- (3) The fruit of her labor -- میوه کارش (به معنی نتیجه کارش)
- (4) The machine of democracy -- ماشین دموکراسی (به معنی سیستم دموکراسی)

به این ترتیب، می‌توان استعاره‌های مفهومی گروه، انسان است، نگاه، شیء است، کار، درخت است و دموکراسی، ماشین است را مطرح کرد؛ به عبارت دیگر، گوینده به جای بیان صریح منظور خود در قالب مفاهیمی همچون انسانی که از نظر کاری در گروه مربوطه جایگاه بالاتری دارد، نگاهی عاری از محبت، کاری مفید و مؤثر و سیستم دموکراسی، از مفاهیمی ملموس‌تر مانند انسان، یخ، درخت و ماشین به مثابه حوزه مبدأ استفاده می‌کند.

شاید بتوان گفت بیشترین بسط و توسعه نظریه استعاره‌های مفهومی در پژوهش‌های کووچس^۱ (۲۰۰۰ و ۲۰۱۰) صورت پذیرفته است. کووچس (۲۰۱۰) حوزه‌های مبدأ و مقصد پرکاربرد را برمی‌شمرد. براساس این، وی سیزده حوزه مبدأ پرکاربرد همچون حوزه‌های مبدأ/انسان/اعضای بدن، بیماری و سلامتی، حیوانات، گیاهان، سازه و ساختمان، ماشین و ابزار، بازی و مسابقه، پول و تراکنش های مالی، غذا و پخت و پز، گرما و سرما، روشنایی و تاریکی، نیرو و حرکت و مسیر را معرفی می‌کند که مبدأ مفهوم‌سازی‌های استعاری واقع شده‌اند.

۲-۲- طرح‌واره‌های تصویری

یکی دیگر از نظریه‌های بنیادین در معناشناسی، نظریه طرح‌واره‌های تصویری است که مارک جانسون (۱۹۸۷) مطرح کرد. وی (۱۹۸۷) بیان می‌کند که تجربه‌های جسمی، منشأ بروز طرح‌واره‌های تصویری در نظام مفهومی هستند و معتقد است که طرح‌واره‌های تصویری از تجارب حسی و ادراکی در تعادل با دنیای اطراف‌مان شکل می‌گیرد. او فهرست برخی از طرح‌واره‌های تصویری را که مبنای مفهوم‌سازی تجربیات روزانه واقع می‌شوند، ارائه می‌دهد که از جمله می‌توان به طرح‌واره‌های حرکتی^۲، طرح‌واره‌های حجمی^۳، طرح‌واره‌های قدرتی^۴، طرح‌واره موجودیت^۵، طرح‌واره تعادلی^۶، طرح‌واره پیوستگی^۷ و طرح‌واره فضایی^۸ اشاره کرد. این طرح‌واره‌ها در مثال‌های زیر در قالب استعاره‌های مفهومی پروژه، مسیر است، مشکلات، ظرف است و شعر نیرو است، بیان شده‌اند. در واقع گوینده مفاهیمی همچون پروژه، مشکلات و شعر را به ترتیب به مثابه مسیری که دارای انتها است، ظرفی که لیلی در آن افتاده است و نیرویی که گوینده را تکان داده است در نظر گرفته است.

(5) We have finally reached the end of the project. -- ما در نهایت به پایان پروژه رسیدیم.

(6) Lily is in trouble.-- لیلی در مشکل است.

(7) I was moved by the poem. -- شعر مرا تکان داد. (به معنی تحت تأثیر قرار گرفتن)

در مثال‌های زیر مفاهیمی همچون مباحثه، سن، انسان و تغییر براساس طرح‌واره‌های تعادل، فضا،

1. Z. Kövecses
2. locomotion
3. containment
4. force
5. object
6. balance
7. unity
8. space

پیوستگی و موجودیت مفهوم‌سازی شده‌اند:

- (8) Two arguments carry equal weight. -- (به معنی هم‌سطحی مباحثه) دو بحث هم‌وزن هستند.
- (9) He is underage. -- (به معنی کم‌سن و سال بودن) او زیر سن است.
- (10) We were made for each other. -- (به معنی پیوستگی و ارتباط قلبی) ما برای هم ساخته شده‌ایم.
- (11) Change is part of life. -- تغییر بخشی از زندگی است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش تحلیلی و توصیفی و در چارچوب نظریه استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰؛ کووچش، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰) و طرح‌واره‌های تصویری (جانسون، ۱۹۸۷؛ ایوانز و گرین، ۲۰۰۶) انجام شده است. طبقه‌بندی طرح‌واره‌های تصویری در داده‌های پژوهش براساس الگوی ایوانز و گرین (۲۰۰۶) و جانسون (۱۹۸۷) با هفت دسته طرح‌واره بنیادین صورت گرفت. همچنین در تحلیل استعاره مفهومی، افزون بر سیزده حوزه مبدأ معرفی شده کووچش (۲۰۱۰)، پانزده حوزه مبدأ پیشنهادی که جزو حوزه‌های مبدأ پرسیامد در داده‌ها تشخیص داده شدند، نیز به حوزه‌های مبدأ پیشنهادی کووچش اضافه شد. در مرحله تحلیل داده‌ها، براساس مفاهیم معنی‌شناسی شناختی و نظریه استعاره مفهومی در صورت تشخیص وجود مضامین استعاری در هر ضرب‌المثل، ابتدا آن ضرب‌المثل تحلیل استعاری و سپس تحلیل طرح‌واره‌ای شد. در صورت تشخیص استعاره مفهومی در هر ضرب‌المثل، آن مورد در یکی از (۲۸) حوزه مبدأ استعاری مفروض جای گرفته و سپس در صورت تشخیص وجود طرح‌واره تصویری در آن، در یکی از (۲۶) گروه طرح‌واره بنیادین قرار داده می‌شد. در نهایت داده‌ها از لحاظ درصد فراوانی مرتب‌سازی و تحلیل شد و نمودار آن رسم شد.

در جمع‌آوری داده‌های پژوهش حاضر از دو روش کتابخانه‌ای و مصاحبه استفاده شد. نخست، در روش کتابخانه‌ای، (۳۲۷) ضرب‌المثل ترکی آذری از میان (۲۲۰۰) ضرب‌المثل موجود در کتاب ترکی دیلینده مثلر، امثال و حکم آذربایجان (مجتهدی، ۱۳۸۵) به‌طور تصادفی انتخاب شدند. برای انتخاب تصادفی ضرب‌المثل‌ها، از آنجاکه در مرجع یادشده ضرب‌المثل‌ها براساس حروف الفبا طبقه‌بندی شده بودند؛ بنابراین ملاک انتخاب تصادفی، فراوانی ضرب‌المثل‌ها در هر دسته از حروف الفبا در نظر گرفته شد. بدین صورت که در حروف الفبایی که ضرب‌المثل بیشتری با آن حرف آغاز می‌شد، تعداد نمونه بیشتری ضرب‌المثل به صورت نسبی انتخاب می‌شد. مرحله دوم جمع‌آوری داده‌ها عبارت بود از روش مصاحبه انعطاف‌پذیر (آزاد) که در این روش، کل ضرب‌المثل‌های مرجع پیش گفته در اختیار پنج نفر از

گویشوران مرد و زن ترکی‌زبان بالای پنجاه سال ساکن شهر ارومیه عرضه شد و (۱۴۳) ضرب‌المثل منتخب و پرکاربرد به صورت مشترک به وسیله گویشوران انتخاب شد؛ در نهایت در کل، (۴۷۰) ضرب‌المثل به مثابه نمونه‌های منتخب برای پژوهش در نظر گرفته شده و سپس استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در نمونه‌ها بررسی شدند.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش نتایج تحلیل داده‌ها ارائه شده است. در بخش (۴-۱) نمونه‌هایی از پیکره ضرب‌المثل‌های ترکی از دیدگاه استعاره مفهومی تحلیل شده‌اند. در بخش (۴-۲) نیز نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌های ترکی بر اساس طبقه‌بندی طرح‌واره‌های بنیادین ایوانز و گرین (۲۰۰۵) و جانسون (۱۹۸۷) در هفت گروه اصلی متشکل از (۲۶) زیرطرح‌واره تحلیل شده‌اند؛ در نهایت، نتایج آماری ناظر به درصد فراوانی طرح‌واره‌ها و استعاره‌ها در بخش (۴-۳) ارائه شده‌اند.

۴-۱- تحلیل استعاره‌های مفهومی

۴-۱-۱- حوزه مبدأ انسان - اعضا - رفتارهای انسانی

(۱) *بازارین گوزون چینخار دیب* - [چشم بازار را درآورده (یعنی عجب خریدی کرده!)]

در اینجا شخص گوینده بازار را به شکل انسان مفهوم‌سازی می‌کند، و از این لحاظ می‌توان استعاره *بازار انسان است* را مطرح کرد که در آن بازار به مثابه انسانی در نظر گرفته شده است که چشم دارد و شخص مورد خطاب در ضرب‌المثل توانسته چشم او را در بیاورد؛ بنابراین حوزه مبدأ این مثل را می‌توان حوزه مبدأ *انسان* در نظر گرفت.

۴-۱-۲- حوزه مبدأ خان - ارباب - کدخدا

(۲) *کدخدانی گور، کندی چاپ* - [با کدخدا بساز و ده را بچاپ (غارت کن).]

در این ضرب‌المثل استعاره *انسان پر قدرت کدخدا است*، را می‌توان شناسایی کرد که در آن *کدخدا* به منزله حوزه مبدأ در نگاشت به انسان‌های قدرتمند به کار می‌رود. چنانچه مخاطب با آن‌ها هماهنگی داشته باشد و به اصطلاح دست در دست‌شان نهد، می‌تواند بر حوزه زیر سلطه آن‌ها هم احاطه پیدا کند؛ بنابراین در این مثل، حوزه مبدأ *کدخدا* برای مفهوم‌سازی انسان‌های قدرتمند و صاحب نفوذ به کار رفته است.

۴-۱-۳- حوزه مبدأ همسایه

۳) قونشویا اومود اولان شامسیر قالار - [کسی که به امید همسایه بنشینید شب گرسنه می‌ماند].
اگر استعاره دیگری (بیگانه) همسایه است، را در این مثل در نظر بگیریم، به روشنی می‌توان دریافت که حوزه مبدأ آن همسایه است؛ زیرا شخص گوینده منظورش از همسایه، به‌طور دقیق همسایه واقعی نیست و منظورش اشاره استعاری به شخصی است که نباید به‌مثابه شخصی غریبه به امید او نشست.

۴-۱-۴- حوزه مبدأ بیماری و نقص عضو

۴) کورونان چورک بینده آلهی دا آرادا گور - [وقتی که با نابینا غذا می‌خوری، خدا را هم در میانه بین].

این ضرب‌المثل به رعایت انصاف و وجدان‌داری فارغ از نظارت دیگری اشاره دارد. در این مثل، شخص ناتوان با نابینا مفهوم‌سازی شده است و مخاطب وظیفه اخلاقی دارد که در تعامل با او رعایت حق و انصاف را بکند؛ بنابراین می‌توان استعاره انسان ضعیف نابیناست را در این ضرب‌المثل مطرح کرد.

۴-۱-۵- حوزه مبدأ البسه و متعلقات انسانی

۵) روزی سی دادریر - [روزی‌اش تنگ است].

با در نظر گرفتن استعاره مفهومی روزی لباس است، مشاهده می‌شود که در این مثل، شخص گوینده به‌صورتی ذهنی، روزی را به‌مثابه البسه‌ای مفهوم‌سازی کرده که می‌تواند تنگ یا گشاد باشد؛ از این رو، فقر و مشکلات مالی در قالب تنگ‌بودن این البسه بیان شده است.

۴-۱-۶- حوزه مبدأ اسباب منزل

۶) فرشی خوابینا سیغارلیر. [فرش را از (سمت) خوابش جارو می‌کند].

این ضرب‌المثل برای بیان به‌اصطلاح نان - به - نرخ - روز - خوری شخص مورد نظر به‌کار برده می‌شود. بدین منظور می‌توان گفت که گوینده موقعیت شخص مورد نظر را با فرش نظیر می‌کند که بسته به خواب فرش که اشاره به متغیر بودن شرایط و موقعیت وی دارد، رفتارش را تغییر می‌دهد. در این ضرب‌المثل استعاره موقعیت فرش است، به‌کار رفته است.

۴-۱-۷- حوزه مبدأ پول

۷) جهد ایله دوست قازان دشمن اوجاق باشیندا - [تلاش کن دوست کسب کن، دشمن (همیشه) پای

اجاق (حی و حاضر و آماده) است.]

همان‌طور که دیده می‌شود، در این مثال استعاره دوست ثروت است، به‌کار رفته است و گوینده دوست را به‌مثابه ثروتی در نظر می‌گیرد که باید همچون پول آن را کسب کرد. در اینجا نیز بیشتر تمرکز گوینده بر ارزش دوست است که با ثروت مفهوم‌سازی شده است.

۴-۱-۸- حوزه مبدأ دیوانه

(۸) دلی نوز گوجون بولمز - [دیوانه زور خود را نداند.]

در این مثال گوینده با برقراری نگاشت بین دیوانه و شخص مورد نظر قصد بیان قدرت و توانایی‌هایی را دارد که در شخص مورد نظر وجود دارد و او از آن‌ها بی‌خبر است. در این ضرب‌المثل، بین دیوانه و انسان قوی نگاشت برقرار شده است. نگاشت مفهومی بین شخص مد نظر با دیوانه و قدرت دیوانه با توانمندی‌های شخص مورد نظر مبنای شکل‌گیری استعاره انسان قوی دیوانه است شده است.

۴-۱-۹- حوزه مبدأ حیوان و رفتارهای حیوانی

(۹) فیلین بورنوندان دوشوب - [از دماغ فیل افتاده است.]

با توجه به بزرگی فیل، می‌توان گفت که در زبان ترکی یکی از نمادهای بزرگی است و در این ضرب‌المثل نشانه‌ای از موقعیت برتر و والا دارد که شخص مورد نظر خود را منسوب به آن موقعیت یا جایگاه والا می‌داند. در اینجا می‌توان استعاره موقعیت والا حیوان عظیم‌الجثه است، را با حوزه مبدأ حیوان مطرح کرد.

۴-۱-۱۰- حوزه مبدأ روابط خویشاوندی

(۱۰) دوغولمامیش اوغلانا دون بیچیر - [برای پسری که هنوز نزیاییده لباس می‌دوزد.]

در این مثال استعاره موقعیت، فرزند پسر است، به‌کار رفته است؛ زیرا گوینده با بیان این مثل، قصد برقراری نگاشت بین موقعیت‌های آتی و فرزند پسر در راه را دارد. در ضمن مقدمه‌چینی و بسترسازی برای موقعیت‌های دوردست را دوختن لباس در نظر می‌گیرد. به این ترتیب می‌توان گفت حوزه مبدأ این استعاره فرزند پسر است.

۴-۱-۱۱- حوزه مبدأ روشنایی و تاریکی

(۱۱) هیچ کیمین چراغی سحره جان یانمییب - [چراغ هیچ‌کس تا صبح روشن نمانده است.]

در این ضرب‌المثل هستی در قالب شب مفهوم‌سازی شده است و عمر انسان به چراغ افروخته در شب نگاشت شده است. گوینده قصد دارد بیان کند که هیچ‌کس تا ابد زنده نمانده است؛ بنابراین می‌توان نگاشت‌های دیگری همچون نگاشت آغاز شب به آغاز هستی و آغاز سحر به پایان هستی را نیز استنباط کرد. در مجموع می‌توان گفت استعاره عمر چراغ است، استعاره غالب در این مثل، است که روشن کردن آن به تولد، خاموشی آن به مرگ و روشنایی آن به طول عمر نگاشت شده است.

۴-۱-۱۲- حوزه مبدأ ساختمان

(۱۲) دیوارین هر ایکی اوزون بینخاماق گرک - [هر دوسوی دیوار را باید ویران کرد].

در این مثال، با در نظر گرفتن استعاره مشکل دیوار است، می‌توان گفت که حوزه مبدأ دیوار است. وی با استفاده از مفهوم ذاتی دیوار که به مثابه حائل و مانعی محکم است، قصد تشابه‌سازی بین دیوار و مشکلات را دارد که البته بنابه بیان ضرب‌المثل، ممکن است مشکلات دوجهی باشند؛ یعنی با از میان برداشتن بخشی از آن‌ها، وجه دیگر آن‌ها نمایان شود که به مثابه نیمه دیگر دیوار است. به این ترتیب گوینده با مفهوم‌سازی این نگاشت، قصد تأکید بر برطرف‌سازی کامل مشکلات را دارد.

۴-۱-۱۳- حوزه مبدأ عروسی و عزا

(۱۳) زورنا چی نین اوز تویی دی - [عروسی خود کرنازن است].

گوینده در این ضرب‌المثل کار را با عروسی و استادکار را (به مثابه کسی که در کارش تخصصی دارد) با کرنازن مفهوم‌سازی کرده است. در اصطلاح گوینده با بیان این مثل، قصد دارد بگوید شخصی که تجربه و تخصص ویژه‌ای دارد، قرار است این تجربه را در کار خود به کار گیرد؛ بنابراین انتظار می‌رود که با توجه به تخصص‌اش، بهترین نمونه کار را از وی ببینیم؛ پس با توجه به این مثل و نیز مثل‌های مشابه دیگر که از حوزه مفهومی عروسی در ترکی وجود دارد، می‌توان گفت این مثل در قالب استعاره کار عروسی است، بیان شده است.

۴-۱-۱۴- حوزه مبدأ غذا و خوردنی

(۱۴) ساح باشووا ساقعیز سالما - [به سر سلامت آدامس نیانداز (نچسبان)].

گوینده در این ضرب‌المثل بین مشکلات و در دسر از یک سو و آدامس از سوی دیگر، نگاشت برقرار کرده است. گوینده می‌خواهد با مفهوم‌سازی مشکلاتی که ممکن است وضعیت آرام و خوب کنونی را خراب کند، با آدامسی که به جایی می‌چسبد و ایجاد مشکل و در دسر می‌کند به شنونده هشدار دهد؛

بنابراین می‌توان استعارهٔ *دردسر آدمس است* را با حوزهٔ مبدأ *آدمس* در نظر گرفت.

۴-۱-۱۵- حوزهٔ مبدأ مهمان

(۱۵) بیوقت گلن قوناق نوز کیسه سیندن بیر - [مهمانی که دیر بیاید از کیسهٔ خودش می‌خورد.]

گوینده در این مثال با متناظر کردن انسان بی‌نظم با مهمان تأخیر کرده، می‌خواهد بگوید که عواقب ناشی از تأخیر در کار مورد نظر بر گردن خودش است و گوینده هیچ مسئولیتی در قبال پذیرایی در خور از وی ندارد. با توجه به ضرب‌المثل‌های فراوان دیگری که در ترکی آذری دربارهٔ مهمان وجود دارد (و اغلب هم مهمان در آن‌ها به صورت منفی بازنمایی شده است)، می‌توان استعارهٔ *انسان (بی‌مسئولیت) مهمان است* را مطرح کرد. در این ضرب‌المثل، *انسان* به طور عمده به افرادی دلالت دارد که در فعالیتی گروهی یا جمعی مشارکت دارند؛ اما اصول و قواعد را رعایت نمی‌کنند.

۴-۱-۱۶- حوزهٔ مبدأ میوه و گیاه

(۱۶) بارلی آخاجا داش آتالار - [به درخت بار داده سنگ اندازند.]

در این ضرب‌المثل، استعارهٔ *انسان درخت است* را می‌توان شناسایی کرد؛ زیرا انسان در آن با درخت و کمالات انسانی با بار آن مفهوم‌سازی شده‌اند. گوینده، انسان را به‌مثابهٔ درختی در نظر می‌گیرد که باروری و میوه‌دهی آن را با به‌کمال رسیدن انسان نگاشت می‌کند. حوزهٔ مبدأ این ضرب‌المثل را می‌توان حوزهٔ مبدأ گیاه در نظر گرفت.

۴-۲- تحلیل طرح‌واره‌های تصویری

۴-۲-۱- طرح‌وارهٔ حجمی

(۱۷) ناشی نین اول گنجه اوغورلوغی دوشدی آی ایشیغینا - [شب اول دزدی [شخص] ناشی افتاد به نور ماه.]

(۱۸) آزاجیق آشیم غوغاسیز باشیم - [آشم کم، سَرَم بی غوغا.]

(۱۹) واردان یوخدان چیخیب - [از] دارایی و نداری بیرون آمده‌است.]

(۲۰) روزی سی داردیر. [روزی اش تنگ است.]

در مثال‌های پیش گفته می‌توان نور ماه، سرانسان، دارایی و نداری و روزی را به‌مثابهٔ ظرفی در نظر گرفت که می‌توان به ترتیب داخل آن افتاد، آن را پر یا خالی کرد، به آن وارد یا از آن خارج شد و در نهایت اندازه‌اش تنگ یا بزرگ باشد؛ به عبارت دیگر، گوینده برای بیان منظور خود از چنین خواص

ظرف‌گونه‌ای بهره برده تا به ترتیب مفاهیمی همچون روشنایی، سر، دارایی و نداری و روزی را بیان کند.

۴-۲-۲- طرح‌واره‌های حرکتی

(۲۱) گنتمه گۆزومدن، گنلرم ئوزومدن - [از چشمم نرو، [وگرنه] می‌روم از خودم].

(۲۲) بو خمیر چوخ سو آپارار - [این خمیر آب زیاد می‌برد].

(۲۳) آغیزی آشا یتیشنده باشی داشا یتیشده - [تا [همین‌که خواست] دهانش به آتش برسد، سرش به سنگ رسید].

(۲۴) آیغیین گلیب باشینن گنده جاق - [با پا آمده، با سر خواهد رفت].

در این ضرب‌المثل‌ها گوینده با متناظرسازی منظور خود با حرکت، مفاهیم ذهنی خود را با مفاهیمی حرکت‌دار بیان می‌کند. براساس دسته‌بندی مورد نظر این حرکت‌ها می‌توانند به صورت حرکت‌هایی از مبدأ، به مقصد، مسیرگونه یا مشتمل بر مبدأ-مسیر-مقصد باشند. در مثال‌های بالا می‌توان گفت که مفاهیمی همچون چشم، ساخت خمیر، سنگ و پا برای بیان استعاره مفاهیم انسان، کار، مرگ و مرگ به‌کار رفته‌اند. در این میان گوینده برای بیان منظور خود به‌شکلی استعاری از حرکت‌هایی مانند رفتن از چشم، بردن آب، سر به سنگ رسیدن و با پا آمدن و با سر رفتن بهره می‌برد. به این ترتیب می‌توان گفت در مثال‌های پیش‌گفته طرح‌واره‌هایی از دسته حرکتی و به ترتیب از نوع مبدأ، مسیر، مقصد و مبدأ-مسیر-مقصد به‌کار رفته است.

۴-۲-۳- طرح‌واره‌های قدرتی

(۲۵) تفنگین دولوسوندان بیر نفر قورخار بوشوندان / یکی نفر - [از تفنگ پر یک نفر ترسد و از خالی آن دو نفر].

(۲۶) کور توتدوغون بوراخماز - [کور آنچه را که گرفته (دیگر) ول نکند].

(۲۷) دیشون آغریر، چک قورتول - [دندان درد می‌کند؟ بکش، خلاص شو].

(۲۸) الی باغلی اولانین دوگنی چوخ اولار - [کسی که دست‌هایش بسته باشد را خیلی زننده باشد (خیلی‌ها او را زنند)].

(۲۹) ایگنه ایشین چووالدوز گورمز - [کار سوزن را جوالدور نتواند کرد].

گوینده در ضرب‌المثل‌های بالا، با متناظرسازی مفاهیمی همچون تفنگ، دیوانگی، کشیدن دندان خراب، دست‌بسته‌بودن و بزرگی و کوچکی با اجبار، مقاومت، رفع مانع، مانع و توانایی قصد بیان

مفاهیمی همچون اجبار، مقاومت، خلاصی از مشکلات، ناتوانی و توانایی را دارد.

۴-۲-۴- طرح‌واره تعادلی

(۳۰) شیرینجه گل، شیرینجه گیت - [به شیرینی بیا و به شیرینی برو].

گوینده در این ضرب‌المثل با بیان این مطلب که چنان‌چه شنونده با رویی خوش بیاید، با رویی خوش نیز راهی خواهد شد، به‌نوعی وجود تعادل بین رفتار خود و شنونده را با وجود تعادل در رفتار مهمان و صاحب‌خانه مفهوم‌سازی می‌کند.

۴-۲-۵- طرح‌واره‌های پیوستگی

(۳۱) پیچاق نوز دسته سین کسمز - [چاقو دسته خود را نبرد].

(۳۲) تولکی نین شاهدی قویروغودی - [شاهد روباه دُمش است].

(۳۳) آناسینا باخ قیزی آل، قیراغینا باخ بئری - [به مادرش نگاه کن و دختر را بگیر، به گوشه‌اش نگاه کن و پارچه را بگیر].

گوینده در مثال‌های پیش گفته قصد بیان وجود پیوستگی و یکپارچگی به‌خصوصی را بین دو شیء مورد نظر دارد، از این‌رو برای بیان منظور خود با استفاده از قابلیت استعاری ضرب‌المثل، این یکپارچگی را به‌صورت تأکید بر پیوستگی موجود بین دسته چاقو و چاقو، دم روباه و روباه و آداب و نصلت مادر و دختر بیان می‌کند؛ البته می‌توان بیان این پیوستگی در مثال‌های بالا را به‌ترتیب به‌شکل یکی‌شدگی، کل - جزئی و ارتباط طبقه‌بندی کرد.

۴-۲-۶- طرح‌واره‌های فضایی

(۳۴) کاسبی دوه اوستونده بووه سانجار - [فقیر را روی شتر زتیل نیش زند].

(۳۵) آتی ایتیریپ نوختاسین آختاریر - [اسب را گم کرده، دنبال افسارش می‌گردد].

(۳۶) آگری اوتوراق دوز دانیشاق - [کج بنشینیم (اما) راست بگوییم].

(۳۷) همدان اوزاخ کردیسی یوخون - [همدان دور است، باغچه‌اش نزدیک].

(۳۸) آلما قاخچی دا قاخلدی اریک اوندان قاباخلدی - [برگه سیب هم برگه است، (اما برگه) زردآلو از آن جلوتر است].

گوینده در این ضرب‌المثل‌ها منظور خویش را با شکلی فضایی بخشیدن به مفاهیم ذهنی خود بیان می‌کند. بدین‌منظور از مفاهیم ملموسی همچون زیر و رو، مرکزیت، جهت، دوری و نزدیکی و جلو و

عقب‌بودن بهره می‌برد تا مفاهیمی همچون جایگاه اجتماعی دون یا والا، محوریت موضوع، درستی و نادرستی، سهل‌الوصول بودن یا نبودن و ارجحیت‌داشتن را بیان کند. در مثال‌ها، روی شتربودن، به‌جای جایگاهی والا داشتن، محوریت اسب به‌جای محوریت موضوع، کج و راست‌نشستن به‌جای راستی و درستی، دوری و نزدیکی فیزیکی به‌جای در دسترس بودن یا نبودن و نیز جلو و عقب‌بودن فیزیکی به‌جای مقایسه ارزشی به‌کار رفته است.

۴-۲-۷- طرح‌واره‌های موجودیتی

(۳۹) دلپیه قلم یوخلدور - [برای دیوانه قلم نیست.]

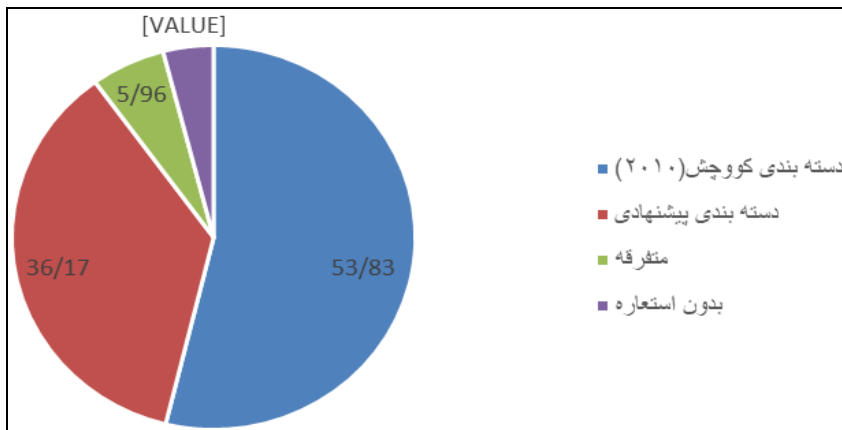
(۴۰) فلان‌کس تای باشیدییر - [فلان‌کس سر گونی^۱ است.]

گوینده در این مثال‌ها از عبارت نبود قلم» به‌جای نبود مجازات استفاده کرده و به‌عبارتی مجازات را با قلم نظیر کرده است؛ از سوی دیگر در مثال بعد، برخلاف مثال (۳۹)، گوینده این بار تأکید بر وجود یا عدم وجود شیئی ندارد، بلکه افزون بر نظیرسازی مفهوم ذهنی خود با شیئی فیزیکی، تأکید خود را بر کیفیت یا خواص فیزیکی آن معطوف می‌دارد. به‌عبارت دیگر، در مثال (۴۰) گوینده با متناظرسازی شخص دردانه با محصول و کالایی که در سر گونی محصول می‌چینند، قصد تأکید بر خاص و ویژه‌بودن او را دارد.

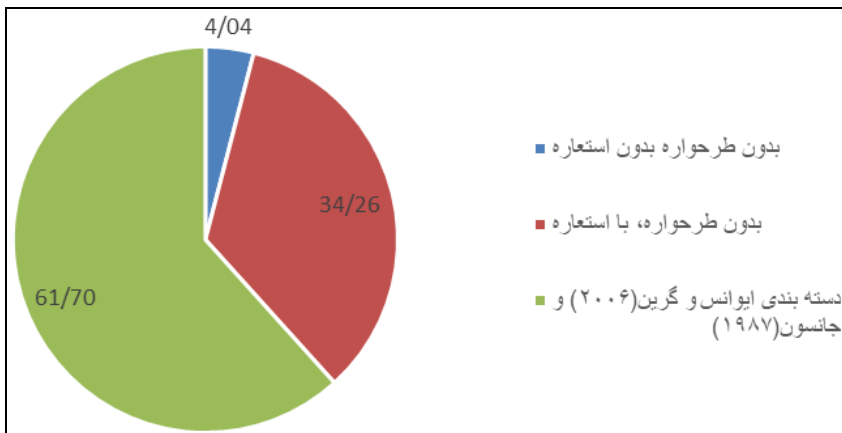
۴-۳- جمع‌بندی نتایج

نمودار (۱) نشان می‌دهد که چه درصدی از استعاره‌های تشخیص داده‌شده را می‌توان در دسته‌بندی حوزه مبدأ کووچش (۲۰۱۰) و نیز دسته‌بندی پیشنهادی نگارندگان جای داد. به‌همین ترتیب، در نمودار (۲) میزان پوشش طرح‌واره‌های تصویری مورد پژوهش با طبقه‌بندی ایوانز و گرین (۲۰۰۶) و جانسون (۱۹۸۷) نشان داده شده است. درصد طرح‌واره‌های بنیادین که براساس طبقه‌بندی ایوانز و گرین (۲۰۰۶) و جانسون (۱۹۸۷) دسته‌بندی شده‌اند، در نمودار (۳) نشان داده شده است. با توجه به تحلیل‌های توصیفی که در بخش پیش مطرح شد، می‌توان درصد حوزه‌های مبدأ استعاری که براساس طبقه‌بندی کووچش (۲۰۱۰) به‌انضمام حوزه‌های پیشنهادی نگارندگان دسته‌بندی شده‌اند را مطابق نمودار (۴) ارائه داد.

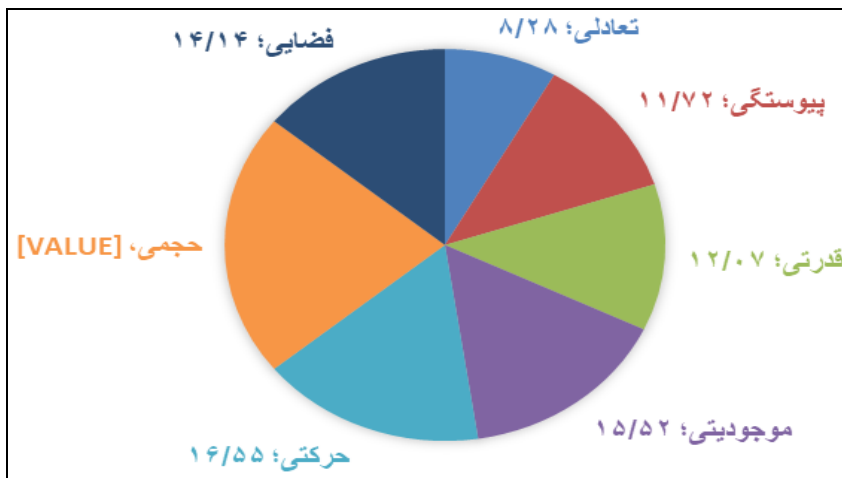
۱- در اینجا مقصود از سر گونی، قسمت بالایی گونی نیست، بلکه تای باشی، به محصول و کالایی گفته می‌شود که در بخش بالایی گونی چیده شده است.



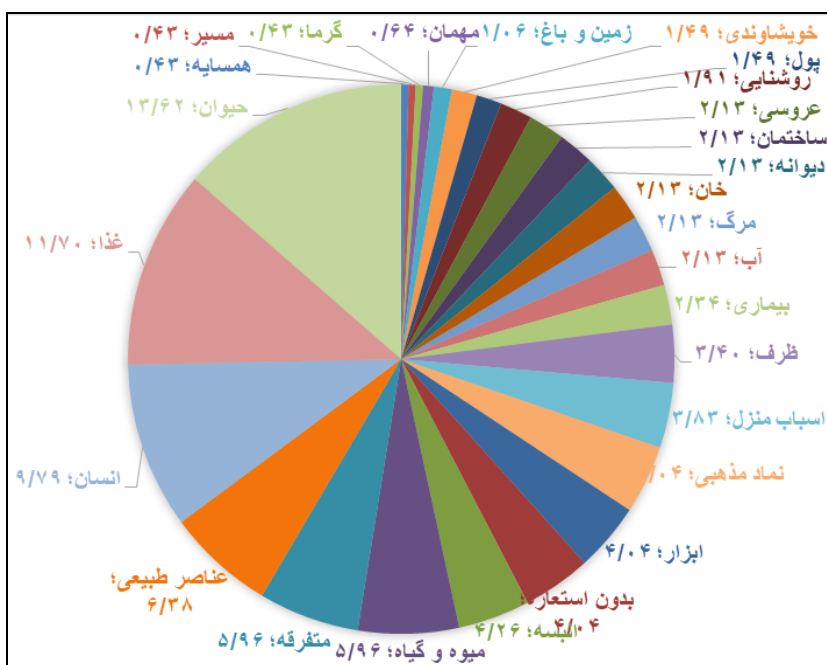
نمودار (۱). درصد تحت پوشش قرارگرفتن حوزه‌های مبدأ در دسته‌بندی کوچش (۲۰۱۰) و دسته‌بندی پیشنهادی نگارندگان



نمودار (۲). درصد تحت پوشش قرارگرفتن طبقه بندی ایوانز و گرین (۲۰۰۵) و جانسون (۱۹۸۷) در طرح‌واره‌های شناسایی شده.



نمودار (۳). درصد فراوانی طرح‌واره‌های بنیادین در ضرب‌المثل‌ها براساس طبقه بندی ایوانز و گرین (۲۰۰۵) و جانسون (۱۹۸۷)



نمودار (۴). درصد فراوانی حوزه‌های مبدأ در ضرب‌المثل‌ها براساس طبقه‌بندی کوچش (۲۰۱۰) به‌انضمام حوزه‌های مبدأ پیشنهادی پژوهش‌گر

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر (۴۷۰) ضرب‌المثل ترکی آذری، تحلیل معنی‌شناختی شد و طرح‌واره‌های بنیادین و استعاره‌های مفهومی این ضرب‌المثل‌ها ارزیابی گردید. در انتخاب طرح‌واره از دسته‌بندی ایوانز و گرین (۲۰۰۶) و همچنین جانسون (۱۹۸۷) بهره برده شد. در این طبقه‌بندی طرح‌واره‌ها در هفت دسته طرح‌واره بنیادین قرار می‌گیرند که در این میان می‌توان (۲۶) زیردسته را با عنوان طرح‌واره‌های تصویری بنیادین نام برد؛ بنابراین، در نوشتار پیش رو طرح‌واره‌های تصویری تک‌تک ضرب‌المثل‌های مورد مطالعه بررسی شدند و در صورت تشخیص طرح‌واره، در یکی از (۲۶) گروه، طرح‌واره‌های بنیادین جای داده شدند.

در بخشی دیگر از پژوهش که مربوط به تحلیل ضرب‌المثل‌ها از منظر استعاره‌های مفهومی می‌شود، با استناد به حوزه‌های مبدأ معرفی‌شده کوچش (۲۰۱۰)، تحلیل انجام پذیرفت. در این مورد با توجه به فراوانی برخی از حوزه‌های مبدأ که نمی‌شد آن‌ها را در دسته‌بندی کوچش (۲۰۱۰) جای داد، (۱۵) حوزه مبدأ جدید معرفی شد که در این حالت، مجموع تعداد حوزه‌های مبدأ به (۲۸) حوزه رسید. دلیل دیگر انتخاب این دسته‌بندی، جامعیت آن بود؛ نتایج نشان می‌دهد که با قراردادن دسته‌بندی پیشنهادی

در کنار دسته‌بندی کوچش (۲۰۱۰) می‌توان بخش بزرگی از حوزه‌های مبدأ استعاره‌های مفهومی را در جامعه مورد بررسی زیر پوشش قرار داد و بدین ترتیب به طبقه‌بندی کلی‌تری از حوزه‌های مبدأ در استعاره‌های مفهومی دست یافت.

از مجموع (۴۷۰) ضرب‌المثل مورد مطالعه به‌ترتیب در (۰.۴/۰۴) و (۰.۳۴/۲۶) از ضرب‌المثل‌ها *استعاره* و *طرح‌واره* یافت نشد. در نگاهی کلی می‌توان گفت که در حوزه‌های مبدأ استعاره، حوزه‌های مبدأ *حیوان* و *غذا* بیشترین و حوزه‌های مبدأ *مسیر* و *سرما* - *گرما*، کمترین فراوانی را دارند؛ به‌عبارتی، پربسامدترین حوزه‌های استعاره مفهومی در زبان ترکی از حوزه‌های *حیوان* و *غذا* نگاشت می‌شود. این می‌تواند بدین مفهوم باشد که گویشوران ترکی زبان بیشترین مفهوم‌سازی را از این مقوله‌ها شکل می‌دهند و ازسویی کمترین نگاشت‌ها را از حوزه *سرما* - *گرما* و *مسیر* در ذهن خود دارند.

درمورد فرضیه اول پژوهش، درنهایت با مقایسه نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین، می‌توان گفت که برخلاف نتایج ارائه‌شده در ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۷)، غالب حوزه‌های مبدأ در استعاره‌های مفهومی در ضرب‌المثل‌های ترکی را حوزه *حیوان* شکل می‌دهد. این درحالی است که نتایج ایشان بیشترین بسامد تکرار در حوزه‌های مبدأ را مربوط به حوزه *انسانی* معرفی می‌کند.

درباره فرضیه دوم پژوهش و با توجه به نتایج ارائه‌شده آریان‌فر و دیگران (۱۳۸۵) درمورد طرح‌واره‌های تصویری به‌کار رفته در ضرب‌المثل‌های فارسی و مقایسه آن با نتایج نوشتار پیش رو، مشاهده می‌شود که در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری برخلاف ضرب‌المثل‌های فارسی، بیشترین طرح‌واره‌های تصویری به‌کاررفته از دسته طرح‌واره‌های *حجمی* هستند؛ همچنین در پژوهش ایشان کمترین بسامد تکرار در دسته طرح‌واره‌های تصویری مربوط به دسته طرح‌واره‌های حرکتی است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که برخلاف ضرب‌المثل‌های فارسی، در ضرب‌المثل‌های ترکی، کمترین بسامد تکرار مربوط به طرح‌واره‌های *تعادلی* است. این درحالی است که یافته‌های جستار پیش رو، نتایج پژوهش مهدی‌زاده (۱۳۹۶) درباره پربسامدترین طرح‌واره در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری را تأیید می‌کند. براساس یافته‌های ایشان، طرح‌واره *مهارشدگی* (*حجمی*) بیشترین بسامد را در ضرب‌المثل‌های ترکی داشته‌اند که با یافته پژوهش حاضر در حوزه طرح‌واره‌های تصویری هم‌سویی دارد.

درپایان، براساس مفروضات نظریه استعاره مفهومی، شکل‌گیری مفاهیم (بیشتر انتزاعی) در ذهن گویشوران براساس تجربه جسمانی و روزمره آن‌ها صورت می‌گیرد. در بافت پژوهش فعلی، این می‌تواند بدان معنا باشد که استعاره‌های دارای بسامد بالاتر، حضور پررنگ‌تری در تجربه روزمره

گویشوران ترکی زبان داشته‌اند؛ از این رو، با توجه به نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که چه‌بسا فراوانی کاربرد حوزه‌های مبدأ حیوان در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری ریشه در نوع زندگی روزمره گویشوران ترکی آذری در گذشته داشته و شاید این موضوع متأثر از پیشه دامداری آبا و اجدادی آنان بوده است. هرچند از نتایج نوشتار پیش رو نمی‌توان به درستی یا نادرستی این فرضیه پی برد، اما پژوهش‌های گسترده‌تر زبان‌شناختی و مردم‌شناختی آتی می‌توانند ابعاد این موضوع را روشن‌تر نمایند.

منابع

- آریان‌فر، سیمین (۱۳۸۵). بررسی شماری از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی براساس طرح‌واره‌های تصویری در چارچوب نظریه معنی‌شناسی شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه الزهرا.
- ابراهیمی، بهروز؛ حیات عامری و زهرا ابوالحسنی (۱۳۹۷). استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی. *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، ۶ (۲۰)، ۲۳-۴۷.
- افراشی، آریتا؛ سیدمصطفی عاصی و کامیار جولایی (۱۳۹۴). استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی، تحلیلی شناختی و پیکره‌مدار. *زبان‌شناخت*، ۶ (۲)، ۳۹-۶۱.
- امین‌الرعیاء، پروین؛ شهلا شریفی و محمود الیاسی (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های متسبب به زنان در ضرب‌المثل‌های فارسی. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۱۲ (۳۴)، ۸۹-۱۲۰.
- باباسالاری، زهرا؛ بهمن زندی؛ بلقیس روشن و حسین قاسم‌پور (۱۳۹۴). بررسی شناختی طرح‌واره‌های تصویری در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی. *مجله زبان و زبان‌شناسی*، ۱۱ (۲۱)، ۶۹-۸۷.
- بهمنیار، احمد (۱۳۶۹). *داستان‌نامه بهمنیاری*. تهران: دانشگاه تهران.
- پاک‌نژاد، محمد؛ الخاص ویسی و محمود نقی‌زاده (۱۳۹۶). بررسی طرح‌واره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شمال خوزستان در گویش دزفولی. *زبان‌پژوهی*، ۱۹ (۲۴)، صص ۱۱۱-۱۳۸.
- خیرخواهان، ظهیر (۱۳۹۵). بررسی طرح‌واره‌های تصویری و استعاره جهت‌گیرانه در فرازهایی از وصیت‌نام شهید از منظر معناشناسی شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور.
- رضایی، محمد و نرجس مقیمی (۱۳۹۲). بررسی استعاره‌های مفهومی در ضرب‌المثل‌های فارسی. *مطالعات زبانی بلاغی*، ۴ (۸)، ۹۱-۱۱۶.
- روشن، بلقیس؛ فاطمه یوسفی‌راد و فاطمه شعبانیان (۱۳۹۲). مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان. *زبان‌شناخت*، ۴ (۸)، ۷۵-۹۴.
- طرهانی، سمیه (۱۳۹۵). بررسی طرح‌واره‌های تصویری در کودکان‌های مصطفی رحماندوست. پایان‌نامه

کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه لرستان.

فضایلی، سیده مریم و شهلا شریفی (۱۳۹۲). بررسی طرح‌واره‌های قدرتی در برخی از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۵ (۸)، ۱۳۱-۱۴۴.

قاسمی، آزاده؛ علی ایزانلو و محمود الیاسی (۱۳۹۴). بررسی طرح‌واره حجمی‌واژه غم در اشعار فریدون مشیری. در: *خدابخش اسداللهی، چکیده‌مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی*، (صص ۱۲-۲۰). اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.

کادن، جی. ای. (۱۳۸۰). *فرهنگ ادبیات و نقد*. مترجم: کاظم فیروزمند. تهران: شادگان.

گلشائی، رامین؛ ارسلان گلفام؛ سیدمصطفی عاصی و فردوس آقاگل‌زاده (۱۳۹۳). بررسی پیکره‌بنیاد مفروضات نظریه استعاره مفهومی: بررسی موردی استعاره «بحث به مثابه جنگ» در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*، ۵ (۱)، صص. ۲۲۳-۲۴۷.

گلفام، ارسلان و مریم اعلائی (۱۳۸۷). بررسی ساخت‌های طرح‌واره‌ای در غزلیات حافظ به‌منظور معرفی طرح‌واره‌های جدید. *مجله زبان و زبان‌شناسی*، ۴ (۷)، ۱۰۷-۱۲۴.

مجتهدی، علی‌اصغر (۱۳۸۵). *ترکی دیلبنده مثلر، امثال و حکم آذربایجان*. تبریز: فخرآذر.

مهدی‌زاده، محمد (۱۳۹۶). *بررسی ضرب‌المثل‌های زبان ترکی براساس طرح‌واره‌های تصویری در چارچوب نظریه معنی‌شناسی شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

نظامی، رضا (۱۳۹۱). *بررسی رباعیات خیام براساس طرح‌واره‌های تصویری جانسون (۱۹۸۷) در چارچوب نظریه معنی‌شناسی شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

ویسی، النخاص و فاطمه دریس (۱۳۹۴). کاربرد طرح‌واره‌های تصویری در رباعیات وحشی بافقی از دیدگاه معناشناسی. *فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی*، ۶ (۲۳)، ۹-۲۶.

References

- Cienki, A. (2005). Researching conceptual metaphors that (may) underlie political discourse. *ECPR Workshop on Metaphor in Political Science*. Spain, Granada.
- Coegnarts, M. & P. Kravanja, (2012). From Thought to Modality: A Theoretical Framework for Analyzing Structural Conceptual Metaphors and Image Metaphors in Film. *Image and Narrative*, 13 (1), 96-113.
- Esager, M. (2011). *Fire and Water: a comparative analysis of conceptual metaphors in English and Danish news articles about the credit crisis*. Available at: <https://pdfs.semanticscholar.org/8210/3598a70525cadb2d56cad52229e8fa951664.pdf>.
- Evans, V. & M. Green (2006). *Cognitive Linguistics an Introduction*. Edinburgh University Press Ltd.
- Golshaie, R. & A. Golfam (2015). Processing conventional conceptual metaphors in Persian: A corpus-based psycholinguistic study. *Journal of Psycholinguistic Research*, 44 (5), 495-518.

- (2019). Searching for cross-domain mappings in the corpus: an analysis of conceptual metaphors' usage patterns in Farsi. *The International Journal of Humanities*, 26 (2), 14-28.
- Johnson, M. (1987). *The Body in the Mind. The Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason*. Chicago: University of Chicago Press.
- Kövecses, Z. (2000). *Metaphor and Emotion: Language, Culture, and Body in Human Feeling*. Cambridge: Cambridge University Press.
- (2005). *Metaphor in Culture: Universality and Variation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- (2010). *Metaphor: A Practical Introduction*. 2nd. Edition. Oxford University Press.
- Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors We Live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Siek-Piskozub, T. & A. Strugielska (2010). Capturing educational change in conceptual metaphors, implications for teacher education. *The International Journal of Research in Teacher Education*, 2 (2), 61-69.
- Smit, T. (2010). *Conceptual metaphor and comprehension in business writing*. University of Namibia.

